



فرضیه انتظارات تطبیقی (comparative expectation) این است که طبق این فرضیه انتظارات راجع به یک متغیر، صرفاً بر اساس مقادیر گذشته آن متغیر صورت می‌گیرد و هیچ بهره‌برداری از سایر اطلاعات در دسترس - در حال حاضر و در آینده - برای شکل‌دهی بهتر به انتظارات صورت نخواهد گرفت، یعنی فقط از اطلاعات تاریخی استفاده می‌شود.

نظریه انتظارات عقلایی (Rational Expectation) نخستین بار توسط «جان موت» اقتصاد دان آمریکایی در ۱۹۶۱ میلادی مطرح شد، بر اساس این دیدگاه، بنگاه‌ها و مصرف کنندگان هنگام شکل‌دهی انتظارات آتی خود منطقی عمل می‌کنند. به عبارت دیگر آن‌ها از اطلاعاتی که در اختیار دارند حداکثر استفاده را می‌برند، یعنی صرفاً به اطلاعات گذشته نمی‌نگرند و تمام اطلاعات موجود را برای پیش‌بینی به خدمت می‌گیرند. به عنوان مثال، هر گاه سیاست کاهش مالیات به مدت سه سال به تصویب رسیده باشد، آنها انتظار خواهند داشت

هزینه‌های مالیاتی خود را به مدت مذکور کاهش دهند و بر این اساس، رفتار خود را به صورت عقلایی تعدیل خواهند کرد. به واقع اخذ تصمیم بهینه نیز، مستلزم همین اقدام است. چنانچه یک عامل اقتصادی در شکل‌دهی انتظارات خود از جدیدترین اطلاعات استفاده کند و فقط به داده‌های گذشته اکتفا نکند در این صورت وی روش انتظارات عقلایی را در این زمینه بکار برده است. به رغم برتری فرضیه انتظارات عقلایی نسبت به انتظارات تطبیقی و کاربردهای اقتصادی آن، هنوز با انتقادات جدی منتقدان خود مواجه است که ناگزیر طرفداران این نظریه را به پاسخ این انتقادات واداشته است.

### حال می‌توان گفت، انتظارات عقلایی مردم به چه صورت در اقتصاد کلان اثر می‌گذارد؟

این موضوع بر این فرض استوار است که مردم سیاست‌های دولت را می‌توانند پیش‌بینی کنند، و چون انتظارات بر پیش‌بینی استوار است، به همین دلیل قبل از انجام سیاست دولت، آنان می‌توانند واکنش مناسب را از خود نشان داده و سبب عدم اثر گذاری این

## رابرت لوکاس، برنده نوبل اقتصاد ۱۹۹۵



دریافت جایزه به پاس: ارزیابی تاثیر انتظارات عقلایی مردم، بر اقتصاد کلان

آکادمی سلطنتی علوم سوئد، جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۵ را به رابرت لوکاس، به خاطر تحقیقات او در زمینه چگونگی تاثیر انتظارات عقلایی مردم، بر آینده اقتصاد داده است.

لوکاس پژوهش‌های وسیعی در زمینه کیفیت تاثیر پذیری اقتصاد از پدیده انتظارات و رفتار عقلایی صورت داده است. مثلاً اگر کارگران احساس کنند، تورم افزایش پیدا می‌کند، می‌خواهند در حقوق و دستمزدشان افزایش ایجاد شود و می‌بینیم که در این حالت، حتی اگر دولت شروع به انجام سیاست‌های پولی انقباضی و کنترل نقدینگی کند، بازهم تورم افزایش خواهد یافت.

قبل از شروع بحث در خصوص نظریه دکتر لوکاس، به توضیح مختصری در خصوص نظریه انتظارات عقلایی می‌پردازیم. کلاً، انتظارات، اساس رفتار اقتصادی هستند، و معمولاً هنگامی که از انتظارات صحبت می‌کنیم، منظورمان پدیده‌ای متمایل به آینده است.

در علم اقتصاد، در مورد نحوه شکل‌گیری انتظارات، دو فرضیه اصلی وجود دارد: اول فرضیه انتظارات تطبیقی و دوم فرضیه انتظارات عقلایی.

### ندا بشیری

دانشجوی دکتری اقتصاد بین‌الملل

مدرس دانشگاه





لوکاس پژوهش‌های وسیعی در زمینه کیفیت تاثیر پذیری اقتصاد از پدیده انتظارات و رفتار عقلایی صورت داده است. مثلا اگر کارگران احساس کنند، تورم افزایش پیدا می‌کند، می‌خواهند در حقوق و دستمزدشان افزایش ایجاد شود و می‌بینیم که در این حالت، حتی اگر دولت شروع به انجام سیاست‌های پولی انقباضی و کنترل نقدینگی کند، بازهم تورم افزایش خواهد یافت.



سیاست شوند. بنابراین این نظریه استدلال می‌کند، تمامی مردم با اطلاعات کاملی که در اختیار دارند می‌توانند سیاست را پیش بینی کرده و اثرات سیاست‌ها را تا حدی خنثی نمایند، چراکه در شرایط پیش بینی شده توسط مردم، خط مشی گذاران کلان اقتصادی یک گام از مردم عقب می‌مانند، زیرا اعمال این سیاست‌ها، خیلی هم غیر منتظره نبوده است. اما این نکته را هم در نظر داشته باشید که تمامی مردم نمی‌توانند پدیده‌های تصادفی جامعه را درست پیش بینی کنند و نظریه انتظارات عقلایی در کوتاه مدت نمی‌تواند صادق باشد.

بیوگرافی دکتر لوکاس :

رابرت لوکاس در سال ۱۹۳۶ میلادی به دنیا آمد. خانواده لوکاس در سال ۱۹۳۸ و همراه با آغاز جنگ جهانی دوم از واشنگتن به سیاتل رفتند. پدر رابرت که ابتدا کارگر جوشکار ساده‌ای بود در محیط کار پیشرفت کرد. به طوری که چند سال بعد مهندس فروش و سپس مدیرفروش شد و سرانجام ریاست کارخانه یخچال سازی لوئیس را بر عهده گرفت. این دوران با تحصیل رابرت در دبیرستان همراه بود. رابرت در محاسبات ریاضی، پدرش را که مدرک دانشگاهی نداشت و بیشتر مسائل را تجربی فراگرفته بود، یاری می‌کرد. همین موضوع باعث شد رابرت به ریاضیات و علوم علاقه مند شود. به علاوه همه اعضای خانواده انتظار داشتند رابرت پس از پایان تحصیلات در دبیرستان "روزولت" وارد دانشگاه "واشنگتن" در سیاتل شود و پس از فارغ التحصیلی به عنوان یک مهندس وارد بازار کار گردد. در همین حین دانشگاه سیاتل، تقاضای بورسیه تحصیلی رابرت جوان را نپذیرفت و رابرت به ناچار به دانشگاه شیکاگو رفت. ولی دانشگاه شیکاگو دانشکده مهندسی نداشت. از این رو رابرت ریاضیات را برگزید. رابرت به زودی دریافت که این رشته مطلب جدیدی برای او ندارد، چراکه مطالب همان بود که وی در دبیرستان آموخته بود. از پاییز سال ۱۹۶۰ میلادی رابرت «نظریه قیمت‌ها» ای میلیتون فریدمن را برای مطالعه برگزید. آنچه که برای رابرت درباره این نظریه جالب بود آن بود که می‌توانست پس از جلسات کلاس درس گفته‌ها و دروس فریدمن



رابرت پایان نامه خود را با عنوان "برآورد کشش جانشینی بین سرمایه و کار" تهیه و ارائه کرد. سپس او در سال ۱۹۶۳ میلادی از دانشکده مدیریت صنعتی موسسه فناوری کارنگی مدرک دکترای اقتصاد گرفت.

را به ریاضیات ترجمه می‌کرد تا درک آن‌ها برایش آسان تر شود. رابرت پایان نامه خود را با عنوان "برآورد کشش جانشینی بین سرمایه و کار" تهیه و ارائه کرد. سپس او در سال ۱۹۶۳ میلادی از دانشکده مدیریت صنعتی موسسه فناوری کارنگی مدرک دکترای اقتصاد گرفت.

دکتر لوکاس، در سال ۱۹۶۰ نتایج مطالعات خود را در مقاله‌ای تحت عنوان «انتظارات و بی طرفی پول» جمع بندی و در سال ۱۹۶۲ منتشر کرد. همین مقاله در سال ۱۹۹۵ میلادی از سوی بنیاد نوبل برگزیده رشته اقتصاد شد و در بیست و پنجمین سالگرد نگارش این مقاله کنفرانسی با همین عنوان برگزار شد. دکتر لوکاس در سال ۱۹۹۵ میلادی به پاس تحقیقاتی که در زمینه ارائه و به کارگیری فرضیه انتظارات عقلایی به عمل آورد و درک و فهم دانش پژوهان را از اقتصاد سیاسی عمیق تر کرد، جایزه اقتصاد نوبل را از آن خود کرد. اما نکته جالبی که در خصوص جایزه نوبل آقای لوکاس گفتنی است، این است که زمانی که او از همسرش طلاق می‌گیرد، توافق می‌کنند، اگر تا ۷ سال پس از طلاق، نوبل را گرفت، نصف مبلغ به همسرش تعلق بگیرد، و دقیقا در هفتمین سال وی موفق به دریافت این جایزه شد و بنابراین آن را با همسرش نصف کرد.

